



Review Article

The Development of Mahdavi Guardianship and the Globalization of Religion in the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani

Najaf Lakzaei¹

Mahmoud Maleki Rad²

Received: 24/01/2023

Accepted: 08/07/2023



Abstract

The existence of a divine leader, the presence of religion and schools of thought, the establishment of the organization of believers (Hizbullah) and the formation of the Islamic state are among the four pillars that are necessary and essential for the development of the Mahdavi guardianship on earth and the globalization of religion. In the age of occultation, divine leadership is manifested in the form of Wilayat Faqih, and the divine religion is present in the form of the Holy Qur'an and the traditions (Sunnah) of the Fourteen Infallibles. However, the other two pillars, namely the organization of the believers and Hizbullah (nation-building) as well as the Islamic state, must be realized, and to whatever extent these two pillars are realized and include a more inclusive circle, we will move forward one step towards the development of the divine guardianship, and we will help the globalization of religion, the peak of which will occur in the Age of Reappearance (of Imam Mahdi). For this reason, examining how the Mahdavi guardianship developed on earth and, accordingly, the globalization of religion, is one of the important and necessary matters for research. Ayatollah Safi Golpayegani is one of the few jurists who, with a

1. Full Professor of Baqir al-Olum University, Qom, Iran. lakzaee@bou.ac.ir.

2. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (corresponding author). m.malekirad@isca.ac.ir.

* Lekzaei, N., & Meleki Tad, M. (1401 AP). The Development of Mahdavi Guardianship and the Globalization of Religion in the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani. *Journal of Mahdavi Society*, 3(6), pp. 42-69. DOI: 10.22081/JM.2023.65786.1065.

strategic view of Imamate and Mahdiism, aimed to help the globalization of religion through showing how to develop the Mahdavi guardianship for all humans and in all areas of the world. In order to realize this important matter, he has referred to both the verses of the Holy Qur'an and the hadiths. Therefore, the hypothesis of this study is that in the thought of Ayatollah Safi Golpayegani, it is possible to contribute to the globalization of religion by developing the Mahdavi guardianship. In this study, which has been examined with a qualitative approach and a descriptive-analytical method, the development of the Mahdavi guardianship and the globalization of religion in the thought of Ayatollah Safi Golpayegani, this main question has been answered: "In the thought of Ayatollah Safi Golpayegani, how can the Mahdavi guardianship be developed and expanded for the purpose of the globalization of religion? The explanation of the pillars such as the necessity of the existence of Imamate and divine leadership on earth, and the necessity of divine religion and the formation of believers and Islamic nation-building with an emphasis on the role of the Islamic state in this area are some of the findings and innovations of this article.

Keywords

Development, guardianship, Mahdiism, globalization, religion.

مقاله علمی - ترویجی

بسط ولایت مهدوی و جهانی شدن دین در اندیشه

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه

نجف لکزایی^۱ محمود ملکی راد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

چکیده

وجود رهبری الهی، حضور دین و مکتب، ایجاد تشکل مؤمنان (حزب الله) و تشکیل دولت اسلامی از ارکان چهارگانه‌ای هستند که برای بسط ولایت مهدوی در زمین و جهانی شدن دین لازم و ضروری است. در زمان غیبت رهبری الهی در قالب ولایت فقیه جامع الشرایط متجلی است و دین الهی نیز در قالب قرآن کریم و سنت معصومین علیهم السلام موجود است. اما دو رکن دیگر یعنی تشکل مؤمنان و حزب الله (امت سازی) و دولت اسلامی را باید محقق کرد و به هر میزان این دو رکن تحقق پیدا کنند و دایره شمول بیشتری را در بر بگیرند، یک گام به سمت بسط ولایت الهی به پیش خواهیم رفت و به جهانی شدن دین کمک خواهیم کرد که نقطه اوج آن در زمان ظهور اتفاق خواهد افتاد. بدین جهت بررسی چگونگی بسط ولایت مهدوی در زمین و به تبع آن جهانی شدن دین، از امور مهم و ضروری برای پژوهش و تحقیق است. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه از معدود فقهای است که با نگاه راهبردی به امامت و مهدویت در صدد بود با نشان دادن چگونگی بسط ولایت مهدوی برای تمام بشریت و در همه پهنه جهان هستی، به جهانی شدن دین کمک کند. ایشان برای تحقق این امر مهم هم



۱. استاد تمام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

* لکزایی، نجف؛ ملکی راد، محمود. (۱۴۰۱). بسط ولایت مهدوی و جهانی شدن دین در اندیشه حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه. دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۶)، صص ۴۲-۶۹.

به آیات قرآن کریم و هم به روایات استشهاد کرده است؛ بنابراین فرضیه این پژوهش آن است که در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه با بسط ولایت مهدوی می توان به جهانی شدن دین کمک کرد. در این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی بسط و گسترش ولایت مهدوی و جهانی شدن دین در اندیشه حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه مورد بررسی قرار گرفته و به این سؤال اصلی که در اندیشه حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه چگونه می توان ولایت مهدوی را به هدف جهانی شدن دین بسط و گسترش داد؟ پاسخ داده شده است. تبیین ارکانی چون ضرورت وجود امامت و رهبری الهی در زمین و ضرورت وجود دین الهی و تشکل مؤمنانه و امت سازی اسلامی با تأکید بر نقش دولت اسلامی در این حوزه از یافته ها و نوآوری های این مقاله است.

کلیدواژه ها

بسط، ولایت، مهدویت، جهانی شدن، دین.

مقدمه

از منظر شیعه امامیه با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ولایت مهدوی در زمین بسط و گسترش پیدا می‌کند، به گونه‌ای که همه پهنه و گستره جهان را در بر می‌گیرد و به تبع آن دین الهی نیز در جهان حاکمیت مطلق می‌یابد و جهانی می‌شود. از منظر قرآن کریم رخداد این آینده قطعی از سنت‌های الهی است که بر اساس آن جهان پر از عدل و داد شده و مؤمنان و صالحان وارث زمین می‌شوند و در سایه آن حکمرانی اسلامی با همه ظرفیت‌هایش تحقق پیدا می‌کند و به دنبال آن تمدن حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. در قرآن کریم به این امر تصریح شده که قرار است دنیا با گسترش ولایت الهی و حاکمیت دین الهی نورانی شود. رهبری الهی یکی از ارکان ضروری و مهم در این رابطه است. در واقع رهبری الهی بر جامعه اسلامی مهم‌ترین مؤلفه حکمرانی به معنای راهبری مؤمنانه قدرت از مبدأ تا مقصد است که موجب می‌شود تا در مرحله باور ایمان مردم تقویت شود و در مرحله رفتار و کنش عمل صالح و تقوا گسترش پیدا کند. بر این اساس از دیدگاه امامیه با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام حکمرانی اسلامی به صورت کامل محقق می‌شود؛ بر خلاف نظریه‌های مختلف آینده‌پژوهی که طرح‌های گوناگون غیر قطعی را برای آینده مطرح می‌کنند؛ اما از منظر قرآن کریم این آینده قطعی و محتوم است و از سنت‌های الهی به شمار می‌رود و فلسفه تاریخ مبتنی بر الهیات نیز چنین آینده محتومی را پیش‌بینی می‌کند. بر اساس آن، آینده جهان در دست دین خواهد بود و دین توحیدی جهانی می‌شود و از جباران دیگر خبری نخواهد بود. البته برای تحقق آن تشکل مؤمنان و جامعه‌سازی (امت‌سازی) نقش مهمی دارد؛ یعنی جامعه انسانی و انسان‌ها باید فعال شوند و تشکیلات مؤمنان و حزب الله محقق شود.

آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه به‌عنوان مرجعی که راهبردی می‌اندیشید، در آثار مهدوی خویش به این نکته اشاره کرده و با تأکید بر نقش امامت و مهدویت با استناد به تعدادی از آیات قرآن کریم و روایات اسلامی برای امت‌سازی و تشکل مؤمنان و حزب الله به‌عنوان تشکیلات الهی نقش پررنگی قائل است. ایشان با تمسک به آیاتی چون «فان

حِزْبِ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده، ۵۶) و «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله، ۲۲) به این مطلب اشاره کرده‌اند که برای غلبه دین الهی در جهان باید تشکیلی به نام حزب الله به وجود آید و در غیر این صورت آن غلبه جهانی رخ نمی‌دهد. حزب الله تشکیلی است که صالحان و مؤمنان آن را به وجود می‌آورند و با این چنین تشکیلی اندیشه ولایت گسترش می‌یابد و به جهانی شدن دین کمک خواهد کرد. گرچه دشمنان هم در این حوزه دست به کار خواهند شد و بیکار نخواهند نشست «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (صف، ۸)، اما با ایجاد تشکل حزب الله با تأکید بر امامت و رهبری، دشمنی دشمنان بی نتیجه خواهد بود؛ زیرا خداوند وعده داده که به رسولان و مؤمنان در دنیا و آخرت یاری رساند و این سنت قطعی الهی است. شناخت راهکارهای گسترش ولایت مهدوی در جهانی شدن دین در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی علیه السلام، هدف اصلی این پژوهش است و در صدد است تا به این پرسش اصلی که در اندیشه حضرت آیت الله صافی گلپایگانی علیه السلام چگونه می‌توان ولایت مهدوی را به هدف جهانی شدن دین بسط و گسترش داد؟ را به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع و آثار نوشتاری آیت الله صافی گلپایگانی پاسخ دهد.

لازم به یادآوری است که در این خصوص و با این نگاه تاکنون اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی علیه السلام مورد واکاوی قرار داده نشده و این مقاله کار نو و بدیعی در این حوزه است. این نوشتار بعد از تبیین مفاهیم و اصطلاحات، در چهار گفتار سامان یافته است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. ولایت

«ولایت» در لغت به معنی نصرت و یاری، سلطنت، تدبیر امور و ... آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، صص ۴۰۶-۴۰۷) و در اصطلاح به معنی تصرف و مالکیت و تصرف و تدبیر است و ولایت نسبت به خدا و رسول و مؤمنین به یک معنا است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۳). از دیدگاه امامیه خداوند بر اساس حکمت خویش، ولایت و حاکمیت را از جانب

خویش به نبی و امام تجویز کرده است و اطاعت از چنین ولایتی، اطاعت از خداوند را به دنبال دارد؛ بنابراین ولایت پیامبر ﷺ و امام از جانب خداوند و به اذن اوست. «چون تصرف در امور مردم و اعمال ولایت بر آنان، تصرف در مالکیت و ولایت الهی است، پس چنین تصرفی باید به اذن الهی و به انتخاب او باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱). چنین ولایت و حاکمیت به انتخاب خداوند در امام متجلی است. پس جامعه همواره از این جهت نیازمند به امام است و از این نگاه می‌توان به روایاتی که می‌گویند: «اگر حجت الهی در زمین نباشد، زمین نابود می‌گردد» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۱۷) و «اگر دو نفر در زمین بیشتر باقی نمانده باشند، یکی از آن دو امام و حجت است» (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۴۰) و «آخرین فردی که از دنیا می‌رود و بعد از او قیامت برپا می‌شود امام است» (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۴۰) توجه داشت و معنی آنها را تحلیل و تبیین کرد.

۲-۱. مهدویت

مهدویت از واژه مهدی گرفته شده و از نظر لغت یا مصدر جعلی است و یا صفتی منسوب از مهدی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴۶، ص ۱۷۶)؛ یعنی این واژه دو گونه استعمال می‌شود: یکی به صورت مصدر جعلی با این توضیح این که هر وصفی که «یای» مشدد و «تا» (یت) به آن اضافه شود، به مصدر تبدیل می‌شود؛ مانند عالمیت، حاکمیت و مهدویت هم همان کلمه «مهدی» است که «یای مشدد و تا» به آن اضافه شده است و به صورت مصدر جعلی به کار می‌رود؛ یعنی مهدوی بودن. «مهدی» در لغت به معنای هدایت کرده شده معنی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴۶، ص ۱۷۷).

«مهدویت» در اصطلاح یعنی اعتقاد به وجود حضرت مهدی ﷺ و ظهور آن حضرت. این باور از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری است. اعتقاد به مهدویت و انتظار در فرهنگ تشیع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در واقع «خلاصه و حقیقت مهدویت این است که جوامع مختلف در جهان به سوی جامعه واحد در حرکت اند که با تحقق آن حکومت حق و عدل تشکیل خواهد شد و

باطل و لشکر شیطان و مستکبران نابود می‌شوند و مستضعفان نجات پیدا می‌کنند و با رهبری یک انسان الهی مؤمنان و شایستگان به خلافت می‌رسند و در نتیجه سعادت، امنیت و رفاه عمومی فراگیر می‌شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۵).

۳-۱. دین

دین در لغت به معنای جزا، اطاعت، حکم، عبادت و حساب آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۵۱) و در اصطلاح تعاریف مختلفی از آن شده است. در یکی از تعاریف آن گفته شده: «دین مجموعه عقاید، احکام، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که خدای متعالی برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها فرستاده است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، صص ۱۱۱-۱۱۲). دین از اصول و پایه‌هایی تشکیل شده است که تفاسیل و فروع آن دین بر آنها مبتنی است. به این اصول مبانی گفته می‌شود؛ مانند مبنای الهی بودن منشأ دین، مبنای هدایت‌گری دین، مبنای نیاز دائمی بشر به دین و ...

۴-۱. جهانی شدن

جهانی شدن «Globalization» به معنای به هم نزدیک شدن جوامع مختلف در فرهنگ و آداب و رسوم و نظام‌های سیاسی و اقتصادی و ... است و در اصطلاح رایج به معنی همگانی شدن تفکر لیبرالیسم در سطح جهان است که برای همگانی کردن این طرز فکر در جهان تلاش می‌کند. اما در تفکر اسلامی با تشکیل حکومت جهانی توسط امام مهدی علیه السلام، تحول بنیادینی در جهان به وجود می‌آید که در اندیشه اسلامی از آن به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام یاد می‌شود. در جامعه موعود جهانی اسلامی، امامت و حاکمیت از آن امام معصوم علیه السلام است؛ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...»؛ حکومت و وراثت در زمین از آن صالحان خواهد بود (نور، ۵۵) و عدالت راستین و گسترده در زمان حکومت جهانی مهدوی تحقق خواهد یافت و در بستر آن دین الهی نیز جهانی خواهد شد.

بعد از تبیین مفاهیم، اینک به ارکان چهارگانه‌ای که برای گسترش ولایت و حکمرانی مهدوی در زمین و جهانی شدن دین در اندیشه حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام لازم و ضروری است، در ضمن چهار گفتار اشاره می‌شود.

۲. ارکان چهارگانه لازم برای گسترش ولایت مهدوی و جهانی شدن دین

۲-۱. رهبری الهی

رهبری الهی نقش مهم و پررنگی در بسط و گسترش ولایت الهی دارد. هر یک از پیامبران در زمان خودشان در این حوزه ایفای نقش کرده‌اند و به هدایت و راهبری مردم پرداخته‌اند. بعد از خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز جامعه بشری به هدایت الهی نیازمند است؛ از این رو خداوند آن را در قالب اندیشه امامت در اختیار بشر قرار داده است.

از این رو به باور عالمان و اندیشمندان شیعه، امامت استمراردهنده نبوت است؛ بدین معنی که اسلام با نبوت آغاز شده و با امامت استمرار می‌یابد و از این جهت هرگز بین خاتمیت و امامت تعارض و ناسازگاری نخواهد بود؛ زیرا از نگاه عقل برای ماندگاری یک مکتب دو چیز لازم و ضروری است: اول کتاب و متن مورد نیاز، دوم معلم و مربی. کتاب قرآن به عنوان متن مورد نیاز برای هدایت مردم از سوی خداوند فرستاده شده است. از دیدگاه امامیه با رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، وجود امام به عنوان مربی و معلم لازم است همواره در کنار قرآن و کتاب الهی باشد تا هم از آن تفسیر و تبیین معصومانه ارائه و هم آن را از تحریف حفظ کند؛ بنابراین برای استمرار نبوت و جلوگیری از تحریف آن، همواره وجود امام لازم و ضروری است. حدیث مشهور منقول از رسول اکرم صلی الله علیه و آله «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۰۹) هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است» که هم اهل تسنن این روایت را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند و هم شیعه، به همین نکته اشاره دارد؛ بنابراین فلسفه امامت در اندیشه شیعی این است که در کنار کتاب الهی، همواره شارح و مفسر معصومی حضور داشته باشد تا تفسیر معصومانه از قرآن و دین الهی ارائه کند و شاخص و معیار حق و باطل باشد. لزوم همراهی قرآن کریم با امام را به خوبی می‌توان از حدیث

متواتر «ثقلین» «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ عَشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَ هُمَا الْخَلِيفَتَانِ مِنْ بَعْدِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۱۵) به دست آورد.

از منظر آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه علاوه بر دلایل نقلی، دلیل عقلی برهان حکمت و لطف الهی از دلایل مهم برای اثبات امامت است. آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه در این خصوص می گوید: «تعیین و نصب امام بر حسب حکمت و لطف بر خدا لازم است و هیچ عصر و زمانی خالی از وجود امام نمی باشد...» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۵۷). از منظر ایشان «امامت منصبی است الهی و ولایت از جانب خدا و مقام خلیفه اللهی است و به نصب و تعیین خدا و نص پیغمبر صلی الله علیه و آله صورت پذیر است و حتماً این نصب که با هدایت الهیه و ربانیت و رحمانیت و رحیمیت و حکمت و علم و سایر صفات جمالیه او ارتباط دارد، از سوی خدا انجام شده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۵۸).

خلاصه سخن آنکه فرستادن وحی به منظور هدایت انسان لطف است، بقای وحی و حفظ آن بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز لطف است؛ زیرا همان طور که انسان عصر نبی نیازمند هدایت است، انسان دوره های بعد نیز همچنان به هدایت و راهنمایی نیاز دارد. لطف خداوند اقتضا می کند که راهنمایانی را برای انسان ها بفرستد.

شیخ مفید رحمته الله علیه با توجه به این مطلب می گوید: «امامان جایگزین پیامبر در برپاداشتن حدود الهی و نگهداری از شرایع و تربیت کردن انسان ها هستند» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۹).

یکی از نتایج مهم استدلال مذکور این است که امامت باید تا روز قیامت استمرار و ادامه داشته باشد؛ زیرا نیاز به هادی و هدایت گری همواره تا انسان وجود دارد باقی است؛ از این رو در روایات نقل شده که زمین هرگز از حجت الهی خالی نخواهد بود و اگر در جهان دو تن باقی مانده باشند، یکی از آن دو امام خواهد بود تا دیگری در هدایت و کسب کمال به او اقتدا کند تا بدین وسیله حجت الهی بر او تمام باشد. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرمودند: «آخرین فردی که از دنیا می رود امام خواهد بود تا کسی در مقام احتجاج با خداوند بر نیاید که او را بدون حجت رها کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵۴). پس حجت الهی همواره در جهان هستی تا پایان آن خواهد بود. از

امام صادق علیه السلام در این باره نقل شده که «حجت خدا پیش از خلق و با خلق و بعد از خلق حضور دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵۱).

علاوه بر دلیل حکمت و لطف الهی، استدلال بر ضرورت وجود امام از راه ولایت و حاکمیت الهی نیز از دلایل مهمی است که در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه مورد توجه قرار داده شده است.

از منظر شیعه نبوت و امامت تنها نظامی است که برای تصرف در امور مختلف سیاسی و اجتماعی از طرف خداوند مجاز و اذن داده شده است و آیاتی چون «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره، ۱۲۴)، «إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص، ۲۶) و «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَقْرَبِنَا» (سجده، ۲۴) بر این امر دلالت دارد که تصرف در امور مختلف سیاسی و اجتماعی «مقامی است که از جانب خداوند به بندگان برگزیده‌اش اعطا شده است و در تمام اعصار ادامه داشته و خواهد داشت» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۲۸۴-۲۸۵)؛ از این رو مسئله امامت از مسائل مهمی است که از اصل توحید مایه و اصالت می‌گیرد. «امامت شعاع و شعبه عقیده به توحید است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۲) و «عقیده توحید در ابعاد و اقسام متعددی که دارد، خودبه خود عقیده به نظام الهی امامت را - طبق برداشتی که شیعه از آن دارد - فرا می‌گیرد و میزان و معیار در تشخیص هر عقیده اسلامی این است که به منبع صاف و زلال عقیده توحید اتصال داشته باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۱).

از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه امامت همچون نبوت تجلی اسم حاکم و ولی و مالک خداوند در زمین است. از طرفی مسئله نظام و برنامه و اداره امور و زمامداری برای جامعه امری ضروری و لازم است. با توجه به اینکه برنامه و قانونی که از سوی خداوند تنظیم شده است، برخلاف قوانین بشری بدون نقص و کاستی است، پس لازم است قوانین و مقررات و حدود الهی به درستی و بدون اعمال هوی و هوس اجرا شود. خداوند بر اساس حکمت خویش، ولایت و حاکمیت را از جانب خودش به نبی و امام تجویز کرده است و اطاعت از چنین ولایتی، اطاعت از خداوند را به دنبال دارد؛ بنابراین ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام از جانب خداوند و به اذن اوست. پس

امامت همچون نبوت از اموری است که به نصب و جعل الهی بستگی دارد؛ زیرا «تصرف در امور خلق و رتق و فتق امور آنان و اعمال ولایت بر خلق الله، تصرف در مالکیت و ولایت الهی است؛ پس چنین تصرفی باید به اذن الهی و به انتخاب او باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴۴).

از دیگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه «شیعه در عصر حاضر اوامر حکام شرع و فقهای عادل و علمای عامل را واجب‌الاطاعه دانسته و مطیع فرمان آنها است و اطاعت آنان را رمز تشیع و نشانه ولایت و تسلیم و ایمان خود به نظام امامت و بیزاری از نظامات دیگر می‌داند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۰۶). از منظر ایشان فراگیری نظام امامت با تشکیل حکومت جهانی در زمان ظهور، مایه برانگیخته شدن امید در مردم می‌شود. «واقعاً اگر امید رسیدن به حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه و برقرار شدن نظام امامت در محدوده‌های کشوری و منطقه‌ای در تحت ولایت نواب عام آن حضرت «فقهای عادل» نباشد، هیچ گونه امیدی برای بشر باقی نخواهد ماند و تمام سعی و تلاش‌های او بیهوده و بی‌نتیجه خواهد شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۱۷).

از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه اسلام دین جهانی است و برنامه‌های جهانی دارد. فراگیری رهبری دینی و نظام امامت یکی از ملزومات جهانی شدن دین اسلام است. در زمان غیبت رهبری الهی در قالب نظام امامت با ولایت نواب عام برقرار است که با «جهانی شدن حق و پیروزی مطلق آن بر باطل همراه خواهد بود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

رکن ولایت و رهبری الهی دارای سطوح مختلفی است. در زمان پیامبران آنان رهبری الهی را بر عهده داشتند و بعد از ختم نبوت ائمه علیهم‌السلام و در زمان غیبت نواب عام عهده‌دار این مسئولیت‌اند. فرقی نمی‌کند که نواب عام موفق به تشکیل دولت بشوند یا نشوند. از این جهت ولایت و رهبری الهی، بر فراز دولت است؛ یعنی ممکن است رهبری که بالفعل موجود است، به ظاهر دولت تشکیل نداده باشد.

بنابراین برای پیاده شدن حکمرانی اسلامی در سطح جهان، ولایت و رهبری الهی که در حال حاضر در ولایت مهدوی متجلی است و نواب عام هم زیرمجموعه آن ولایت

است، باید در جهان گسترش داده شود و در سطح دنیا گسترش پیدا کند و به دنیا اعلان شود که خداوند نیاز شما به رهبری الهی را برآورده کرده است.

۲-۲. دین الهی

دین برنامه زندگی انسان است که خداوند متعال برای سعادت و کمال و تعالی انسان در دنیا و آخرت از سر لطف و حکمت خویش آن را در قالب وحی به وسیله انبیا در اختیار بشر قرار داده است. گرچه روح کلی دین الهی در سراسر ادیان الهی سریان و جریان دارد، اما شرایع پیامبران الهی بسته به شرایط زمانی و مکانی و سطح فرهیختگی بشریت با هم متفاوت بوده است. این روند تکاملی همچنان ادامه داشته تا اینکه بشریت آمادگی و ظرفیت پذیرش آخرین شریعت و کامل‌ترین برنامه هدایت را پیدا کرد؛ خداوند نیز طبق لطف و حکمت خویش این برنامه هدایت را در قالب شریعت اسلامی در اختیار بشریت قرار داد؛ به گونه‌ای که این شریعت ظرفیت پاسخ‌گویی و رفع نیازمندی‌های انسان‌ها از جهت هدایت و برنامه سعادت تا قیامت را دارا می‌باشد.

در دین اسلام نظام‌های مختلف برای مدیریت حیات بشر وجود دارد؛ مانند «نظام عقیدتی که بشریت را از انحرافات عقیدتی نجات می‌دهد و نظام اخلاقی که آداب درست و نیکو را به بشریت تعلیم می‌دهد و نظام عبادی که بندگی خداوند را تبیین می‌کند و نظام حکومت و سیاست و ... در واقع دین اسلام دینی است که همه نظام‌های عقیدتی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و ... را با هم دارد (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۴ق، ج ۳، ص ۹).

پس وجود آموزه‌های دینی برای جهانی‌شدن دین اسلام و گسترش آن نقش اساسی دارد و یکی از ارکان آن به شمار می‌رود. فرض این است که با فرستاده شدن کتاب الهی در قالب قرآن کریم به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله آموزه‌های دینی در اختیار بشر قرار داده شده است. حال برای بسط و گسترش دین اسلام در جهان چه باید کرد؟

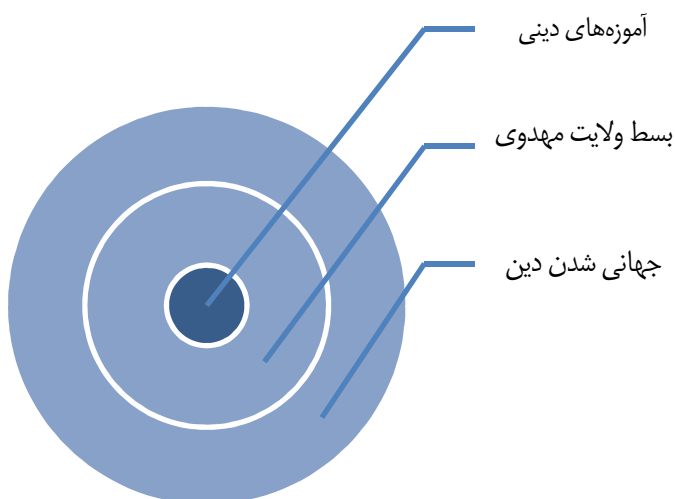
بر اساس دلائل متقن و غیر قابل خدشه، یکی از دوره‌های تاریخ بشریت، دوره ظهور امام مهدی (عج) خواهد بود. در زمان ظهور زمینه‌های تکامل و پیشرفت برای همه انسان‌ها به خوبی آماده و موانع کمال و سعادت بر طرف خواهد شد؛ از آن زمان می‌توان به زمان طلایی پیشرفت و تکامل مادی و معنوی بشریت یاد کرد. چنین ترسیمی از آینده در اسلام به صورت قطعی پیش‌بینی شده است. زمینه‌سازی و ایجاد آمادگی برای تحقق ظهور نقش اساسی در این حوزه دارد. جهت ایجاد زمینه‌سازی برای ظهور، آشنا کردن مردم با دکتین اسلام درباره آینده جهان که در قالب آموزه مهدویت ترسیم شده تأثیر گذار است؛ بنابراین گسترش ولایت مهدوی می‌تواند در جهانی شدن دین کمک کند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی (ع) با یادآوری این مطلب، گسترش ولایت مهدوی با تشکیل حکومت جهانی را عاملی مؤثر برای بسط و گسترش دین اسلام می‌داند. «خداوند در قرآن مجید در آیات کریمه متعددی، تشکیل یک حکومت جهانی اسلامی، گسترش دین اسلام، غلبه آن بر کلیه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت را وعده فرموده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۸). ایشان برای اثبات این مطلب به آیاتی چند استلال کرده است؛ مانند «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ؛ با کافران جهاد کنید تا در زمین فتنه و فساد نماند و آیین همه دین خدا گردد» (انفال، ۳۹) و آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد» (توبه، ۳۳) و آیه «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يَتِمَّ نُورُهُ؛ کافران می‌خواهند نور خدا را با نفس تیره و گفتار جاهلانۀ خود خاموش کنند، ولی خدا نمی‌گذارد تا آنکه نور خود را به منتهای ظهور و حدّ اعلائی کمال برساند» (توبه، ۳۲) و آیه «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ؛ کافران می‌خواهند تا نور خدا را با گفتار باطل و طعن مسخره، خاموش کنند؛ البته خدا نور خود را تمام و کامل می‌کند» (صف، ۸) و آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ

زَهُوقاً؛ بگو حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق محو و نابودی است» (اسرا، ۸۱) و آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ ما بعد از تورات در زبور نوشتیم البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد» (انبیا، ۱۰۵) و آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خداوند وعده فرموده به کسانی از شما که نیکوکار شود، در زمین خلافت دهد» (نور، ۵۵) و آیه «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ ما البته رسولان خود و کسانی را که ایمان آورند، در حیات دنیا نصرت و ظفر می دهیم» (غافر، ۵۱) و آیات دیگری که تأویل آنها هنگام ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام آشکار شود، دلالت دارند بر غلبه اسلام بر سایر ادیان و غلبه اهل حق بر اهل باطل و حتمی بودن غلبه انبیا و اتمام نور خدا که این معانی به طور مطلق تا حال ظاهر نشده و این آیات، تحقق آن را در آخرالزمان بشارت می دهد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، صص ۲۹-۳۱). مراد از وعده نصرت و یاری خداوند به پیامبران، از طرفی منحصر در یاری و غلبه آنان در آخرت نیست؛ بلکه غلبه این دنیا نیز مراد است؛ زیرا می فرماید: «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر، ۵۱) و از طرف دیگر مراد یاری و غلبه انبیا بر قوم خودشان و پیشرفت کار آنها در عصر خودشان هم نیست؛ زیرا دعوت بسیاری از پیغمبران در قومشان اثر چندانی نداشت، حتی برخی از آنان توسط قومشان کشته شدند. «این نصرت و غلبه، نصرت و غلبه و اتمام نور خدا مطلق است و آن وقتی است که اسلام تمام جهان را بگیرد. استخلاف و جانشینی مؤمنین در زمین و وارث شدن آنها زمین را نیز، استخلاف در تمام زمین و وارث شدن کره ارض است که برای امام زمان و یاران و اصحاب آن حضرت حاصل می شود» (گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۲).

در واقع بین آموزه‌های دینی و گسترش ولایت مهدوی رابطه مسقیمی وجود دارد. یعنی از طرفی برای گسترش ولایت مهدوی علاوه بر ولایت و رهبری الهی، وجود آموزه‌های دینی نقش دارد و از طرف دیگر گسترش ولایت مهدوی برای جهانی شدن دین اسلام و گسترش آن نقش اساسی دارد و یکی از ارکان آن به‌شمار می‌رود.

آموزه‌های دینی به‌عنوان هسته مرکزی برای گسترش ولایت مهدوی ضروری است و گسترش ولایت مهدوی نیز در جهانی شدن دین نقش دارد. نمودار ذیل بیانگر این مطلب است:



۲-۳. تشکل مؤمنان (امت)

تشکل مؤمنان (امت) همانند ولایت و رهبری الهی و دین، یکی دیگر از عواملی است که در گسترش ولایت مهدوی نقش اساسی دارد. گفته شد بر اساس آموزه مهدویت و فلسفه تاریخ مبتنی بر این آموزه، آینده‌ای قطعی و حتمی فراروی بشر است که با تشکیل حکومت جهانی، دین توحیدی فراگیر خواهد شد. برای تحقق چنین آینده‌ای علاوه بر وجود رهبری الهی و دین توحیدی، تشکل مؤمنان و حزب الله نیز امری ضروری است. یعنی برای اینکه ولایت و رهبری الهی گسترش پیدا کند و به تبع آن دین نیز گسترش یابد، امت‌سازی و ایجاد تشکل مؤمنان نقش اساسی در این حوزه دارد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه با تأکید بر ضرورت تشکل مؤمنان و حزب الله و اهل

حق، به چند دسته از آیات قرآن کریم استدلال کرده است:

۱. آیاتی که پیروزی و فلاح حزب الله و غلبه سپاه خدا را یادآوری کرده‌اند؛ مانند این آیات: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائدة، ۵۶) همانا حزب خدا پیروزمند است» و «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله، ۲۲) همانا حزب خدا رستگار است» و «وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات، ۱۷۳) همانا سپاه ما پیروزند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۶۵).

۲. آیاتی که دلالت دارند بر اینکه خداوند پیامبران و مؤمنان را یاری می‌کند و به آنها امداد می‌رساند؛ مانند آیه «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ» همانا عهد ما دربارهٔ بندگان که به رسالت فرستادیم سبقت گرفته است که البته آنها بر کافران فتح و پیروزی یابند» (صافات، ۱۷۱-۱۷۲) و آیه «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» ما البته رسولان خود و اهل ایمان را در دنیا یاری می‌دهیم و روز قیامت هم که گواهان به شهادت برخیزند، به مقامات بهشتی پاداش می‌دهیم» (مؤمن، ۵۱) (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۶۶).

از منظر آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه گرچه یاری خداوند نسبت به مؤمنان و پیامبران در پیروزی آنان بر دشمنان، شامل پیروزی‌های جزئی و محدود با وجود شرایط هم می‌شود؛ مثل مواقف و مشاهد بسیاری که خدای متعال پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله را نصرت و یاری کردند؛ و مانند پیروزی به حجت و برهان و دلیل و بیان نیز از مصادیق نصرت الهی به شمار می‌رود. اما مناسب کمال امتنان و لطف خدا این است که با وجود شرایط لازم، پیروزی و نصرت مطلق و تام و تمام حاصل شود؛ زیرا فرد اکمل و مصداق اتم پیروزی و نصرت، پیروزی و نصرت مطلق بر همهٔ کفار و جنود ابلیسی است که نه حد زمانی آن را به پایانی محدود سازد و نه حد زمینی و جغرافیایی آن را مختص به یک منطقه کند. طبق این آیات، در مقابلهٔ اهل حق با اهل باطل، غلبهٔ نهایی باید با اهل حق باشد و به طور کامل مشمول نصرت الهی شوند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۶۶ با دخل و تصرف). نکته قابل توجه در آیه یادشده «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (مؤمن، ۵۱) این است که نصرت خداوند از طرفی منحصر در نصرت پیامبران نیست، بلکه شامل مؤمنان نیز می‌شود.

یعنی خداوند همه نظامات هستی و تمام کائنات را برای نصرت و پیروزی رهبران الهی اعم از پیامبر و امام در خدمت‌شان قرار می‌دهد و از طرف دیگر نصرت و یاری خداوند منحصر در حیات اخروی نیست؛ بلکه حیات دنیوی را نیز شامل می‌شود؛ چون می‌فرماید: «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» یعنی خداوند تشکل مؤمنان را در همین حیات دنیا نیز یاری و نصرت می‌رساند. پس مهم این است که تشکل مؤمنان شکل بگیرد.

۳. آیاتی که دلالت دارند بر اینکه حق پایدار و باقی است و باطل از میان‌رفتنی است؛ مانند آیه «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ (رعد، ۱۷)». در این آیه خداوند باطل را به کف روی آب و حق را به آب و باران‌های سودمند تشبیه کرده است.

مطابق این آیه باطل ممکن است مدتی خودنمایی کند و در مناسبات جهانی ظهور و بروز داشته باشد؛ اما طبق سنت الهی بعد از مدتی نابود می‌شود و دیگر هیچ اثری از او باقی نخواهد ماند. بر اساس روایات تحقق کامل این وعده الهی در زمان ظهور خواهد بود. طبق آیه «وَيُرِيدُ اللهُ أَنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ؛ خدای متعال اراده کرده است که حق را با کلمات خود تقویت و ریشه کافران و دنباله آنان را قطع کند» (انفال، ۷) نیز اراده تکوینی الهی بر حمایت از حق و نابودی کفار تعلق یافته است. یعنی کفر نباید در جهان پایدار بماند و به هر مقدار که تشکل حق خواهان صورت پذیرد، کفر نیز به حاشیه رانده خواهد شد تا اینکه با تشکل کامل حق خواهان در زمان ظهور، دیگر کفر در آینده جهان جایی نخواهد داشت و به صورت کامل ریشه کافران قطع و خشکانده خواهد شد.

۴. آیاتی که دلالت دارند بر اینکه خداوند اراده کرده است تا مستضعفان پیشوایان و وارثان زمین شوند و مستکبران و طاغوتیان نابود شوند؛ مثل این دو آیه: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ* وَنُكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ؛ ما می‌خواهیم بر

مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم* و حکومت‌شان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان‌شان، آنچه را از آنها [بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم» (قصص، ۵-۶).

آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه می‌گوید: «بدیهی است این اراده خدا عام بوده و اختصاص به قوم بنی اسرائیل که مستضعف شدند و فرعون و هامان که آنان را استضعاف کرده بودند ندارد؛ بلکه مستضعفان مشمول این عنایت الهی هستند و این سنت خدا است؛ از این رو امیرالمؤمنین علیه‌السلام در سخنی با استشهاد به آیه «وَوَرِيدًا أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ و...» می‌فرماید: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرْوِسِ عَلَى وَكَلِدِهَا (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۶)؛ دنیا بعد از خودداری و تمکین نداشتنش از ما، منقاد و مطیع و راه ما خواهد شد؛ مانند ناقه سرکش که نسبت به بچه خود پذیرایی و عطف دارد» بدیهی است این فرمایش به ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام اشاره دارد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۲۶۷-۲۶۸).

۵. آیاتی دلالت دارند مبنی بر اینکه مؤمنان و کسانی که اهل عمل صالح باشند در زمین خلافت پیدا خواهند کرد؛ مثل این آیه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که به قطع آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت» (نور، ۵۵).

طبق این آیه به تشکل مؤمنانی که اهل عمل صالح هستند وعده داده شده آنان در زمین خلیفه خواهند شد. بر اساس روایتی که در ذیل این آیه آمده است، مصداق حقیقی این خلافت در عصر ظهور که عصر گسترش ولایت و دین الهی در زمین است محقق خواهد شد (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۴۰).

آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله معتقد است «این آیات و آیات متعدد دیگر علاوه بر آنکه بر استقرار دین خدا در سراسر زمین و آینده درخشان عالم دلالت دارند، بر حسب معتبرترین مدارک و تفاسیر و احادیث، به تحول بی‌سابقه و بی‌نظیر و انقلابی که به رهبری و قیام حضرت مهدی اهل بیت و امام منتظر و موعود انجام خواهد گرفت تفسیر شده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۷۰)؛ از این رو از دیدگاه ایشان آیاتی که دلالت دارند بر اینکه دین اسلام دین جهانی خواهد شد و بر دیگر ادیان پیروز می‌شود، همگی ناظر به عصر ظهورند که با رهبری ولی الهی و با اتحاد و انسجام و تشکل مؤمنان (حزب الله) به همراه امدادهای الهی دین اسلام دین جهانی خواهد شد. خداوند از این واقعیت با واژه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸؛ صف، ۹) یاد کرده است.

۲-۴. دولت اسلامی

وجود نظام و دولت از نیازهای اساسی برای بشریت است و با نبود آن، هرج و مرج و ناامنی در جامعه به وجود می‌آید و در چنین وضعیتی زندگی برای همگان تلخ و ناگوار می‌شود. قوانین وضع شده هر قدر هم مترقی باشند و با نگاه واقع‌بینانه تنظیم شوند، حتی از کتاب‌های آسمانی هم استخراج شده باشند، در صورتی که نظام و دولتی بر سر کار نباشد از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نخواهند بود و کارآمدی خودشان را برای سامان‌دادن وضع اجتماع از دست می‌دهند؛ بنابراین مهم‌ترین فلسفه و هدف تشکیل حکومت، اجرای قوانین برای تحقق نظم و عدالت در جوامع انسانی است. با توجه به این مهم امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در یکی از سخنان خویش ضرورت وجود نظام و حکومت برای جامعه را چنین ترسیم می‌کند: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يَجْمَعُ بِهِ الْقِيءُ وَ يَقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤَخِّدُ بِهِ الضَّعِيفُ مِنَ الْقَوِي حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يَسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ (شريف الرضي، ۱۴۱۴، ص ۸۲)؛ مردم به امیر و زمامداری نیک یا بد نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در سایه استقرار حکومت زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت‌المال جمع‌آوری می‌شود و به کمک آن

با دشمنان می‌توان مبارزه کرد، جاده‌ها امن و امان می‌شوند و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود؛ نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان خواهند بود».

دین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، برخوردار از معارف بلند و ارزش‌ها و قوانین مرقی است. این قوانین در کتاب قرآن و سنت پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام تجلی یافته است. به‌طور طبیعی اجرای قوانین مرقی آن از طرفی به مجریان عادل و متعهد نیاز دارد و از طرف دیگر وابسته به نظام و حکومتی است که در صدد اجرای آنها باشد. همین امر موجب شد تا رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از تثبیت دعوت خویش، اولین پایه‌های حکومت را با آغاز هجرت به مدینه بنا نهاد و تشکیلات منظمی را به فراخور آن عصر و روزگار به جهانیان عرضه کرد. بعد از آن حضرت برخی از امامان معصوم علیهم‌السلام بسته به آمادگی شرایط زمانه، علاوه بر ولایت باطنی که برای همه آنها ثابت است، نظام سیاسی و حکومت را نیز برقرار کردند؛ مصداق بارز آن تشکیل حکومت توسط امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

حکمرانی اسلامی اعم از حکمرانی نبوی و علوی و مهدوی، دارای چهار رکن است که عبارت‌اند از: ۱. رهبری الهی؛ ۲. دین الهی؛ ۳. تشکل مؤمنان و امت اسلامی و ۴. نظام و دولت اسلامی.

از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه دولت جهانی اسلامی در ذیل حضور امامت و رهبری الهی قابل تعریف است. از این جهت ایشان به امامت و رهبری نگاه راهبردی داشتند و در صدد بودند ولایت مهدوی در جهان گسترش داده شود و آموزه امامت و مهدویت به جهانیان عرضه شود و به دنیا گفته شود که خداوند نیاز شما به حکومت و دولتی که بر اساس عدل استوار باشد را برآورده کرده است؛ از این رو ایشان تأکید داشتند برای گسترش ولایت مهدوی لازم است با دنیا ارتباط بیشتری برقرار شود؛ زیرا از راه گسترش ولایت مهدوی علاوه بر آنکه امت‌سازی می‌شود، می‌توان راه رسیدن به تشکیل دولت جهانی را نیز هموار کرد.

از نگاه ایشان تحقق عملی حکومت واحد جهانی اسلام در عصر ظهور اتفاق خواهد افتاد. «عقیده به ظهور مهدی موعود یعنی عقیده به محقق‌شدن حکومت جهانی، عقیده

به مجتمع واحد انسانی، عقیده به ملیت و قومیت همگانی و دین فطری انسانی، آخرین و بلندپایه‌ترین اجتماع انسانی در مقابل بشر است و کاروان بشریت به سوی آن نقطه می‌رود و بشر باید خواهان آن جامعه باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۶)؛ بنابراین باید برای ایجاد جامعه واحد جهانی تلاش کرد و با جوامعی که می‌خواهند ملت‌های دیگر را استعمار کنند مبارزه کرد. از نظر معتقدین به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، «بدترین جامعه‌ها و حکومت‌ها، جامعه‌های استعمارگر و استضعاف طلب است که باید با آن‌ها مبارزه کرد و فکر و هدف و سازمان و رفتارشان را کویید. این جامعه‌ها درست در قطب مخالف جامعه مورد انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام هستند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۷).

از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام اوضاع جهان به گونه‌ای رقم می‌خورد که جوامع به سمت دولت و حکومت جهانی به پیش می‌روند. «ظهور حضرت مهدی علیه السلام به طور کامل با این وحدت جامعه ارتباط دارد و آیات و روایات این نوید را داده‌اند و اوضاع جهان نیز آماده‌شدن جهان را از هر جهت برای آن حکومت جهانی نوید می‌دهد ... آینده هر چه بشود، هر چه اتفاق افتد، جنگ یا صلح، به سوی این هدف نزدیک‌تر و نزدیک‌تر خواهد شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۹) و «دنیای به سوی آن ظهور بزرگ به امر الله در حرکت است و اوضاع و احوال حکومت جهانی آن حضرت را نوید می‌دهد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۵۴).

از این رو در روایتی که وضعیت عصر ظهور را ترسیم کرده به این نکته اشاره شده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ، لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودَى فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (عیاشی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۸۳)؛ وقتی حضرت قائم علیه السلام قیام کند، زمینی باقی نمی‌ماند مگر آنکه در آن ندا می‌شود به شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله». از نگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام اهداف عالی اسلام با تشکیل حکومت جهانی در عصر ظهور محقق خواهد شد.

از دیدگاه ایشان باور به تشکیل دولت و حکومت جهانی مایه امید برای جوامع بشری است و اگر این باور نباشد، دیگر هیچ مایه امیدواری برای بشر وجود نخواهد

داشت. «واقعاً اگر امید رسیدن به حکومت جهانی مهدی علیه السلام و برقراردن نظام امامت در محدوده‌های کشوری و منطقه‌ای در تحت ولایت نواب عام آن حضرت "فقه‌های عادل" نباشد، هیچ‌گونه امیدی برای بشر باقی نخواهد ماند و تمام سعی و تلاش‌های او بیهوده و بی‌نتیجه خواهد شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۱۷).

از این جهت از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه خداوند در قرآن کریم «تشکیل یک حکومت جهانی اسلامی، گسترش دین اسلام، غلبه آن بر کلیه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت را وعده فرموده است که از آن جمله این آیات است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ او است خدایی که رسول خود را با دین حقّ به هدایت خلق فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد» (توبه، ۲۳) و آیه «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يَتِمَّ نُورُهُ؛ کافران می‌خواهند نور خدا را با نفس تیره و گفتار جاهلانه خود خاموش کنند، ولی خدا نمی‌گذارد تا آنکه نور خود را به منتهای ظهور و حدّ اعلای کمال برساند» (توبه، ۳۲) و آیه «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ؛ کافران می‌خواهند تا نور خدا را با گفتار باطل و طعن مسخره خاموش کنند؛ البته خدا نور خود را تمام و کامل می‌کند» (صف، ۸) و آیه «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ؛ خدا می‌خواست که صدق سخنان حقّ را ثابت گردانده و ریشه کافران را از بیخ و بُن برکند» (انفال، ۷) و ... این آیات دلالت دارند بر غلبه اسلام بر دیگر ادیان و غلبه اهل حقّ بر اهل باطل و حتمی بودن غلبه انبیا و اتمام نور خدا که این معانی به طور مطلق تا حال ظاهر نشده و این آیات، تحقق آن را در آخرالزمان بشارت می‌دهد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، صص ۲۹-۳۲).

بنابراین «ما یقین داریم روزی می‌آید که این حکومت جهانی اسلام عالم را اداره کند و وحدت ادیان، وحدت حکومت‌ها، وحدت نظام‌ها و قوانین عملی شود و مادامی که دنیا به چنین وحدتی منتهی نشود، اسلام تمام رسالت خود را ادا نکرده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۰۶). از مجموع اتفاقاتی که در دنیا رخ می‌دهد فهمیده می‌شود که دنیا به سمت حکومت واحد جهانی در حرکت است. از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه آمادگی بشر برای حکومت جهانی موجب شده تا فکر تشکیل حکومت و

جامعه جهانی در میان سیاستمداران به وجود آمده و سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی برای ایجاد رابطه بین همه ملت‌های جهان مانند سازمان ملل متحد یا بخشی از ملت‌های جهان مانند اتحادیه اروپا، پیمان ناتو، پول واحد و ... تأسیس شده است. گرچه بیشتر این مجامع و سازمان‌ها برای اغفال و فریب‌دادن مردم و هدف‌های سیاسی تشکیل می‌شوند؛ با این وجود نشانگر این است که یک اتحاد عمومی و وحدت اجتماعی و دینی و سیاسی، خواسته روح و فطرت بشر است؛ از این رو همین حرکات مجازی، مقدمه حرکات واقعی و آمادگی حقیقی بشر برای آن حکومت جهانی اسلام است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۰۶، با دخل و تصرف). این نظام و حکومت جهانی تنها نظامی است که در آینده جایگزین نظام‌ها و حکومت‌های مختلف می‌شود و جهان را به عدل و قسط اداره خواهد کرد. «اسلام از آغاز این آینده درخشان را برای دنیا پیش‌بینی کرده و به صراحت در آیات و روایات وعده قطعی داده است و بشر را به انتظار چنین روز و عصر و زمانی که همه در زیر پرچم اسلام درآیند و اهل یک دین و ملت و حکومت شوند، گذارده و به ظهور آن رهبر عالی‌قدری که جهان آینده را باید اداره نماید و عالم را پر از عدل و داد کند بشارت داده و او را به همگان معرفی نموده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۰۸).

بنابراین از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله با گسترش ولایت مهدوی در جهان می‌توان آمادگی مردم دنیا را برای ایجاد حکومت جهانی فراهم آورد و به تبع آن به جهانی شدن دین اسلام کمک کرد.

نتیجه‌گیری

از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله برای تحقق حکمرانی اسلامی جهانی و به تبع آن جهانی شدن دین، ارکان چهارگانه‌ای لازم است که عبارت‌اند از:

۱. وحی و دین الهی: وحی و دین الهی از ارکان اصلی حکمرانی اسلامی است. این رکن در قالب کتاب قرآن و سنت معصومان متجلی شده است. دین در این قالب آمده است تا پاداش اخروی اعمال و حمایت دنیوی خداوند از انسان را برای او تضمین کند و

نیاز او را برطرف کند و چون این نیاز دائمی است، پس نیاز به دین نیز دائمی است. همان‌طور که گذشتگان به دین نیازمند بودند، آیندگان نیز چنین نیازی دارند. از این‌رو بر اساس وعده‌ای که در اسلام داده شده، آینده از آن دین خواهد بود. پس وجود آموزه‌های دینی برای جهانی شدن دین اسلام و گسترش آن نقش اساسی دارد و یکی از ارکان آن به‌شمار می‌رود.

در واقع بین آموزه‌های دینی و گسترش ولایت مهدوی رابطه مستقیمی وجود دارد. یعنی از طرفی برای گسترش ولایت مهدوی علاوه بر ولایت و رهبری الهی، وجود آموزه‌های دینی نقش دارد و از طرف دیگر گسترش ولایت مهدوی برای جهانی شدن دین اسلام و گسترش آن نقش اساسی دارد و یکی از ارکان آن به‌شمار می‌رود. این رکن نیز همانند رکن رهبری الهی در حال حاضر موجود است. به هر مقدار که دین در جهان گسترش داده شود، به همان مقدار نیز زمینه‌های جهانی شدن دین نیز فراهم خواهد شد.

۲. ولایت و رهبری الهی: یکی دیگر از ارکان مهم در حکمرانی اسلامی محسوب می‌شود و دارای سطوح مختلف سه‌گانه است که عبارتند از: الف. سطح رهبری در نبوت و نبی الهی، ب. سطح رهبری در امامت و ولی الهی، ج. سطح رهبری در نواب عام و ولایت فقیه. اهمیت این رکن موجب شده تا آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه با نگاه راهبردی به آن، در آثار مختلف خویش جایگاه امامت و رهبری را تبیین کند و در سه مرحله امامت عام، امامت خاص و ولایت نواب عام - ولایت فقیه - از آن بحث و گفتگو کرده است. از نظر ایشان برای پیاده‌شدن حکمرانی اسلامی در سطح جهان، ولایت و رهبری الهی که در حال حاضر در ولایت مهدوی متجلی است و نواب عام هم‌زیرمجموعه آن ولایت به حساب می‌آیند، باید در جهان گسترش داده شود و در سطح دنیا گسترش پیدا کند و به دنیا اعلان شود که خداوند نیاز شما به رهبری الهی را برآورده کرده و این رکن در حال حاضر موجود است. به هر مقدار که این رکن گسترش داده شود، به همان مقدار نیز ولایت مهدوی بسط و گسترش پیدا خواهد کرد و به همان مقدار زمینه برای ظهور نیز فراهم خواهد شد.

۳. امت و تشکل مؤمنان: امت‌سازی رکن سوم برای حکمرانی اسلامی است. تشکل

مؤمنان و «حزب الله» در گسترش ولایت مهدوی و به تبع آن جهانی شدن دین نقش مهمی دارد. آیاتی که پیروزی و فلاح حزب الله و غلبه لشکر و سپاه خدا را در آینده جهان یادآوری کرده‌اند، به این رکن نظر دارند. از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله آینده جهان با پیروزی حزب الله و لشکر الهی رقم خواهد خورد و این آینده قطعی و محتوم است و با آن دین الهی جهانی خواهد شد. این رکن در حال حاضر به نحو تام موجود نیست؛ بنابراین باید تلاش کرد تا تشکل مؤمنان و حزب الله در سطح جهان شکل بگیرد تا با به وسیله آن بتوان به جهانی شدن دین کمک کرد. به هر مقدار که این تشکل شکل بگیرد، به همان قدر نیز دین و آموزه‌های دینی بسط و گسترش پیدا خواهد کرد. در عصر ظهور تشکل مؤمنان به صورت کامل شکل می‌گیرد؛ در نتیجه دین نیز جهانی خواهد شد و به طور کامل گسترش پیدا خواهد کرد. آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» اشاره به همین مطلب است.

۴. دولت اسلامی: دولت‌سازی اسلامی رکن چهارم حکمرانی اسلامی است. بر اساس آن قوانین و مقررات الهی در زمین در صورتی زمینه اجرا پیدا می‌کنند که نظام سیاسی و حکومت برقرار باشد. از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله دولت جهانی اسلامی در ذیل حضور امامت و رهبری الهی قابل تعریف است. از این جهت ایشان در صدد بودند تا ولایت مهدوی در جهان گسترش داده شود و آموزه امامت و مهدویت به جهانیان عرضه و به دنیا گفته شود که خداوند نیاز شما به حکومت و دولتی که بر اساس عدل استوار باشد را برآورده کرده است. از نگاه ایشان دولت اسلامی دولت ملی و منطقه‌ای نیست، بلکه به اندازه گسترش ید رهبر الهی در جهان، به همان اندازه هم دولت اسلامی گسترش جغرافیایی پیدا می‌کند و سرانجام با عنایت به گسترش ید جهانی حضرت حجت عجلت‌الله دولت جهانی اسلامی توسط آن حضرت شکل خواهد گرفت؛ بنابراین باید برای گسترش ولایت و رهبری مهدوی در جهان تلاش کرد و به تعبیر امام خمینی رحمته‌الله باید مملکت اسلامی بزرگ و اتحاد ملت‌های اسلامی را در مقابل همه ابرقدرت‌ها (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۲۷۲) تشکیل داد و زمینه‌سازی برای ظهور و طلوع خورشید ولایت عظمی را فراهم آورد.

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۵، چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). شریعت در آئینه معرفت (چاپ دوم). قم: نشر اسراء.
۳. خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۷، چاپ پنجم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (ج ۴۶، چاپ دوم). تهران: نشر دانشگاه تهران.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (محقق: صبحی صالح) (چاپ اول). قم: هجرت.
۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۷۹). معارف دین (ج ۲، چاپ اول). قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۹). با عاشورائیان (چاپ اول). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام.
۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۱). سلسله مباحث امامت و مهدویت (ج ۱، ۲، ۳، چاپ پنجم) قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام.
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). پاسخ به ده پرسش. قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۷). امامت و مهدویت (چاپ اول). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام.

۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۳۴ق). لمحات فی الكتاب و الحدیث و المذهب (ج ۳، چاپ اول). قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۷۶). الامالی (چاپ ششم). تهران: کتابچی.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۹۵ق). کمال‌الدین و تمام‌النعمة (ج ۲، چاپ دوم). تهران: اسلامیة.
۱۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۶، چاپ اول). بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج (چاپ اول). مشهد: نشر مرتضی.
۱۶. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (ج ۶، چاپ سوم). تهران: مرتضوی.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۳ق). تفسیر العیاشی (ج ۱، چاپ اول). تهران: المطبعة العلمیه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). اوایل المقالات (چاپ اول). قم: کنگره شیخ مفید.
۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الغیبة (تحقیق: فارس حسون کریم) (چاپ اول). قم: انوار الهدی.

References

* The Holy Qur'an

1. Ayashi, M. (1383 AH). *Tafsir al-Ayashi* (Vol. 1, 1st ed.). Tehran: Al-Mattaba Al-Ilmiyah. [In Arabic]
2. Dekhoda, A. A. (1377 AP). *Dekhoda dictionary* (Vol. 46, 2nd ed.). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
3. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 15, 3rd ed.). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
4. Javadi Amoli, A. (1378 AP). *Sharia in the mirror of knowledge* (2nd ed.). Qom: Esra Publications. [In Persian]
5. Khomeini, R. (1389 AP). *Sahifeh Imam* (Vol. 7, 5th ed.). Tehran: The Institute for Publications and Preparation of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
6. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1, 4th ed.). Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [In Arabic]
7. Mofid, M. (1413 AH). *Early articles* (1st ed.). Qom: Sheikh Mufid Congress. [In Arabic]
8. Nomani, M. (1422 AH). *Al-Ghaibah* (F. H. Karim, Ed.) (1st ed.). Qom: Anwar Al-Huda. [In Arabic]
9. Sadouq, M. (1376 AP). *Al-Amali* (6th ed.). Tehran: Ketabchi. [In Persian]
10. Sadouq, M. (1395 AH). *Kamal al-Din va Tamam Al-Na'amah* (Vol. 2, 2nd ed.). Tehran: Islamia. [In Arabic]
11. Safi Golpayegani, L. (1379 AP). *Religion's Education* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Hazrat Masoumeh Publications. [In Persian]
12. Safi Golpayegani, L. (1389 AP). *With the Ashura'ians* (1st ed.). Qom: Ayatollah Safi Golpayegani Publications Office. [In Persian]
13. Safi Golpayegani, L. (1391 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism* (Vols. 1, 2, 3, 5th ed.) Qom: The Office for Publications of Ayatollah Safi Golpayegani Works. [In Persian]
14. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Answers to ten questions*. Qom: The Office for Publications of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]

15. Safi Golpayegani, L. (1397 AP). *Imamate and Mahdiism* (1st ed.). Qom: The Office for Publications of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Persian]
16. Safi Golpayegani, L. (1434 AH). *Lumhat fi al-Kitab va al-Hadith va al-Madhab* (Vol. 3, 1st ed.). Qom: The Office for Publications of Ayatollah Safi Golpayegani's Works. [In Arabic]
17. Sharif al-Razi, M. (1414 AH). *Nahj al-Balagha* (S. Saleh, Ed.) (1st ed.). Qom: Hejrat. [In Arabic]
18. Tabarsi, A. (1403 AH). *Al-Ihtijaj Ala Ahl al-Lujaj* (1st ed.). Mashhad: Morteza Publications. [In Arabic]
19. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 6, 1st ed.). Beirut: Al-Alami Institute. [In Arabic]
20. Tarihi, F. (1375 AP). *Majma' Al-Bahrain* (Vol. 6, 3rd ed.). Tehran: Mortazavi. [In Persian]